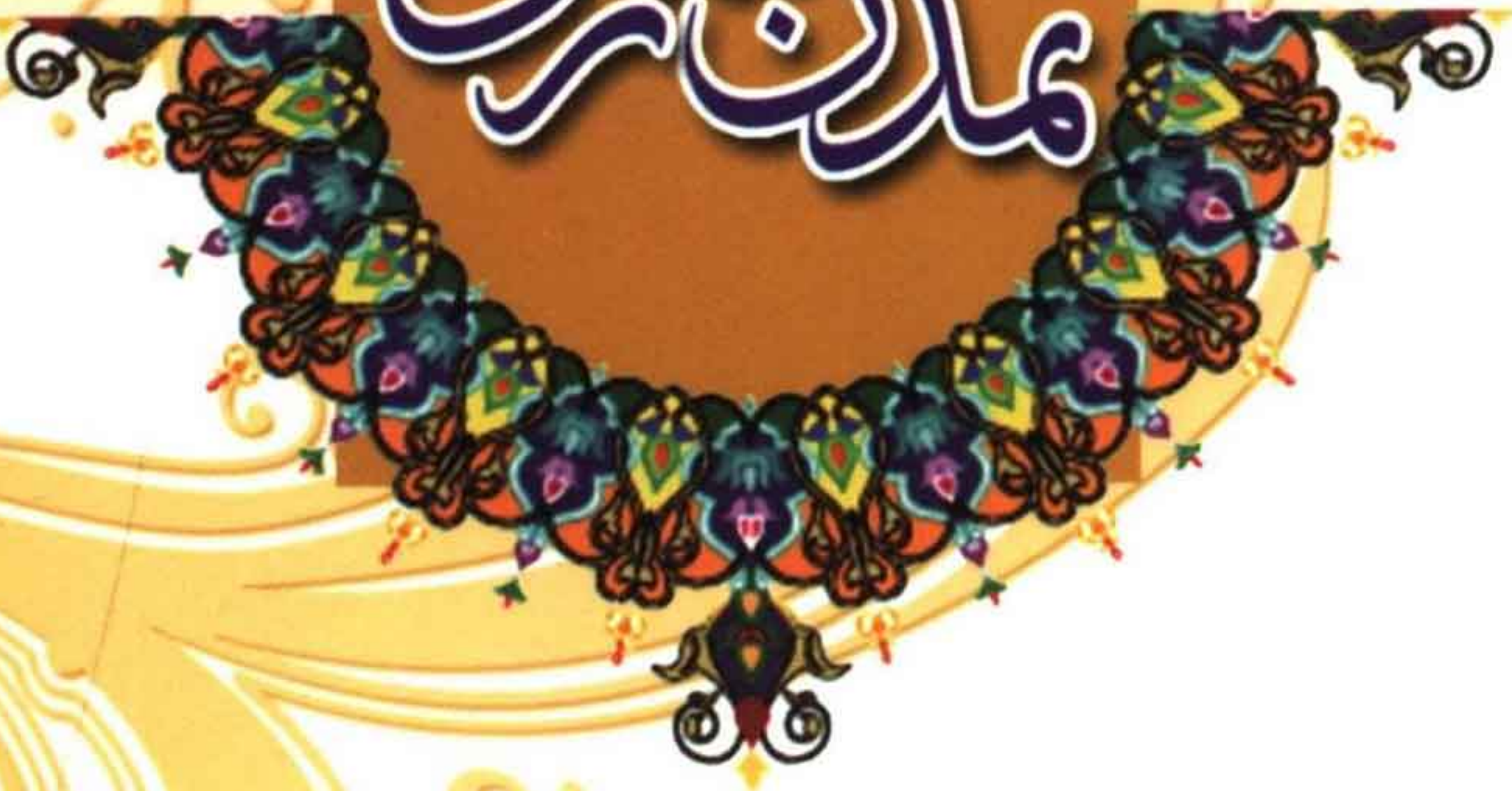


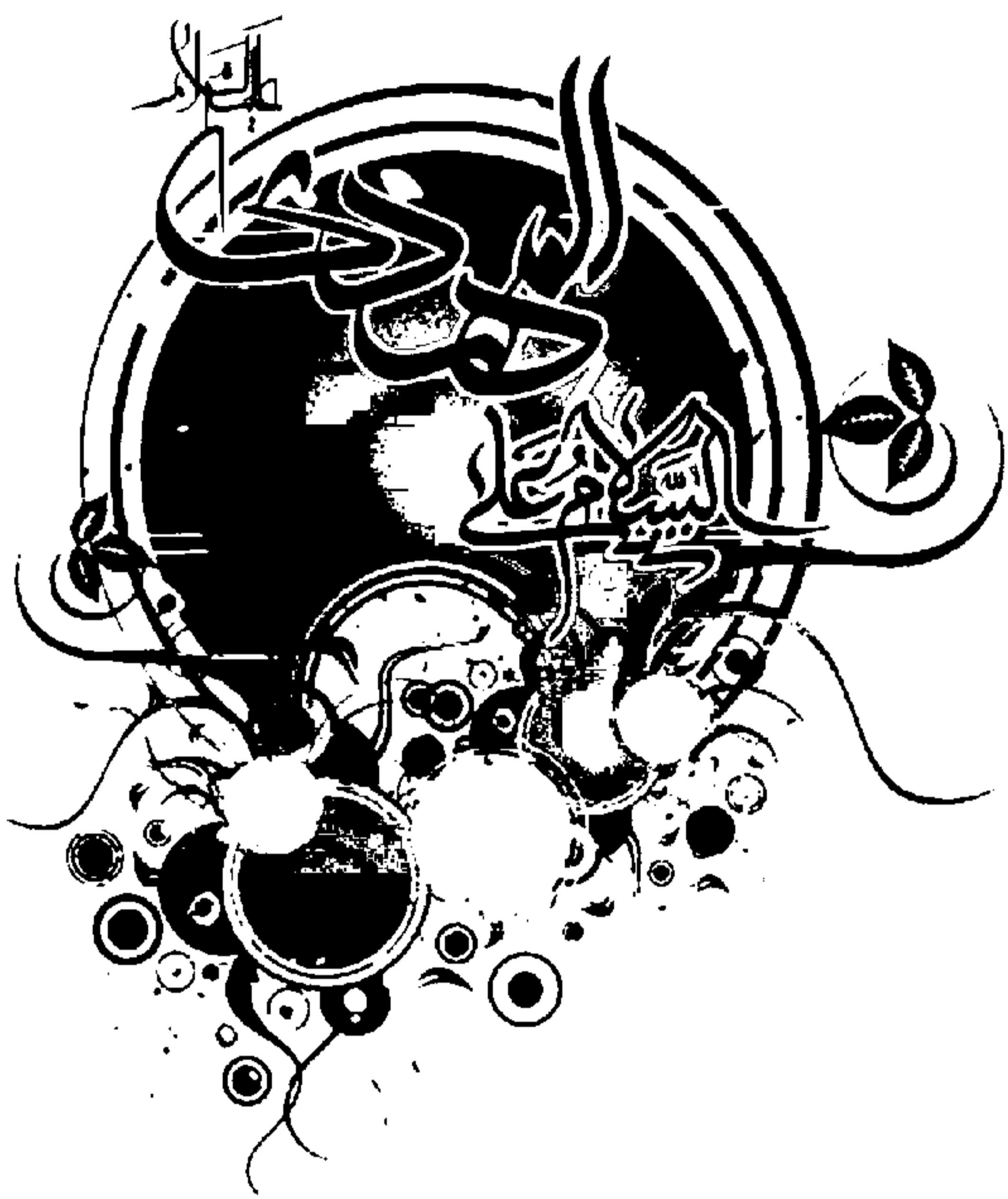


خانوادہ و مہدویت

دفتر دوم

مکتبہ سیپی





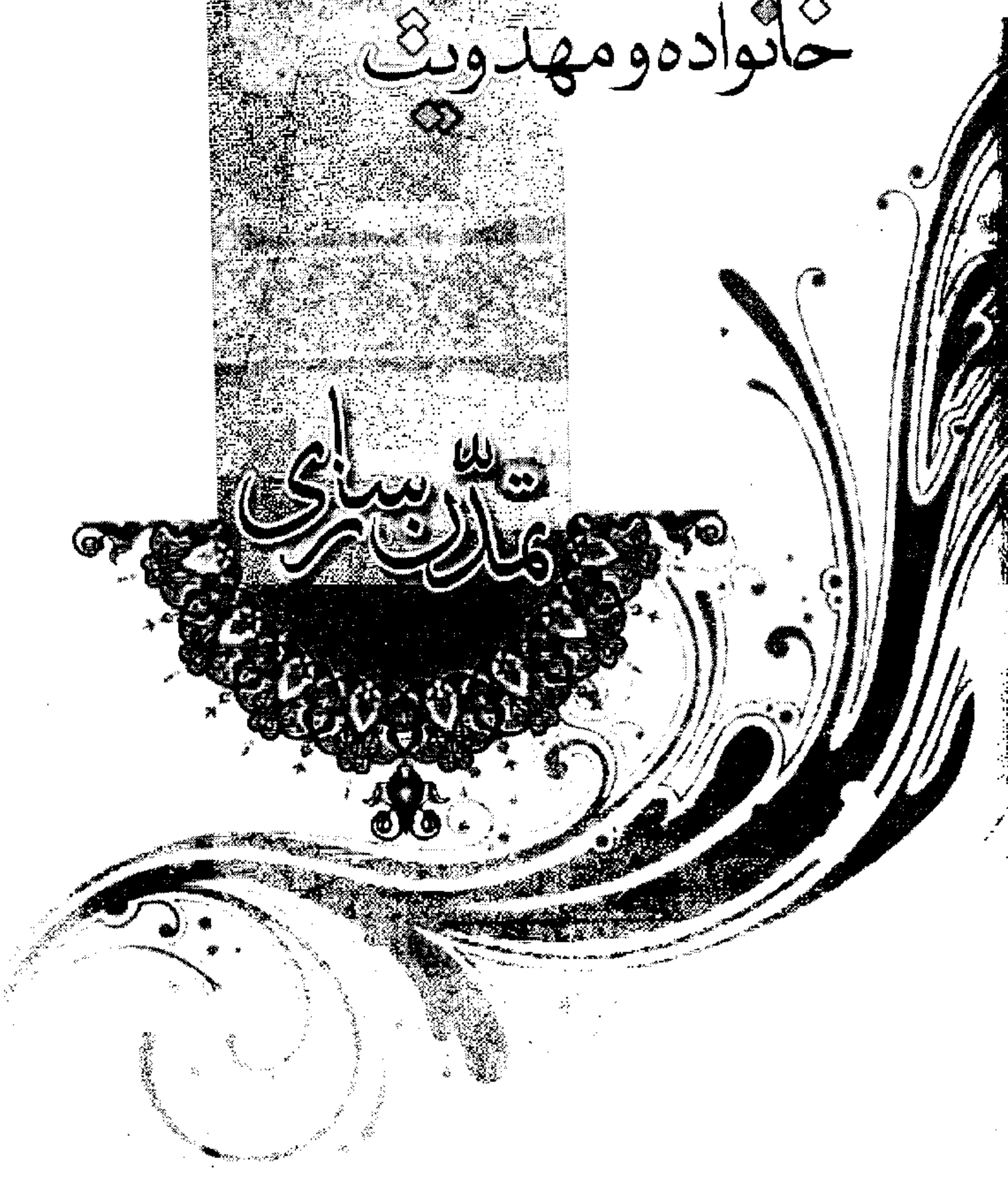
Designer: Nemati 09132076455



سلسلہ شہزادان

خاندان مہدویت

شہزادان سیالوی



سرشناسه : نیلی پور، مهدی، ۱۳۴۱ -

عنوان و نام پدیدآور : خانواده و مهدویت: تمدن سازی / مهدی نیلی پور؛

ویراستاران محسن آدم زاده، حمیدرضا حبیبی،

مشخصات نشر : اصفهان: مرغ سلیمان، ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری : ۶۰ ص؛ ۵/۹ × ۱۹ س.م.

فروست : آموزش معارف خانواده‌های مهدوی (خانواده‌های بهاری)؛ [ج. ۱].

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۵۴۲۸-۴۵-۲

وضعیت فهرست نویسی : فیبا

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع : تربیت خانوادگی (اسلام)

موضوع : اسلام و خانواده

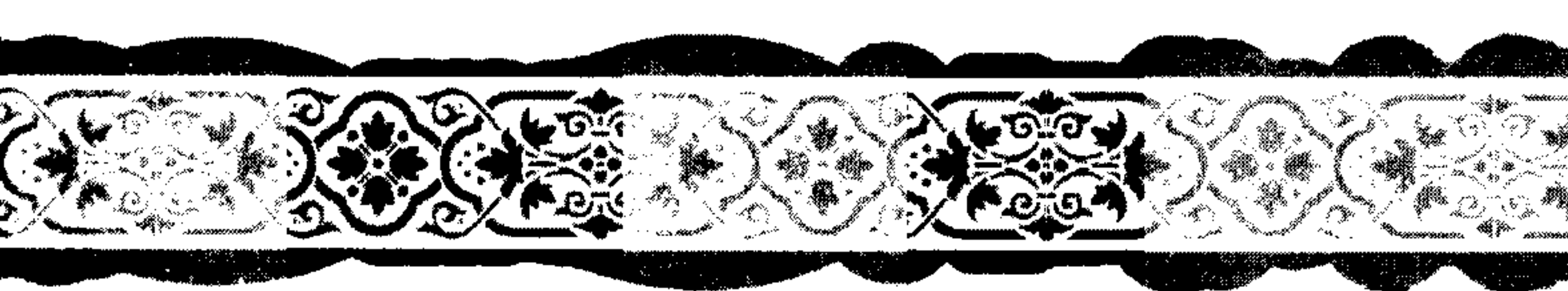
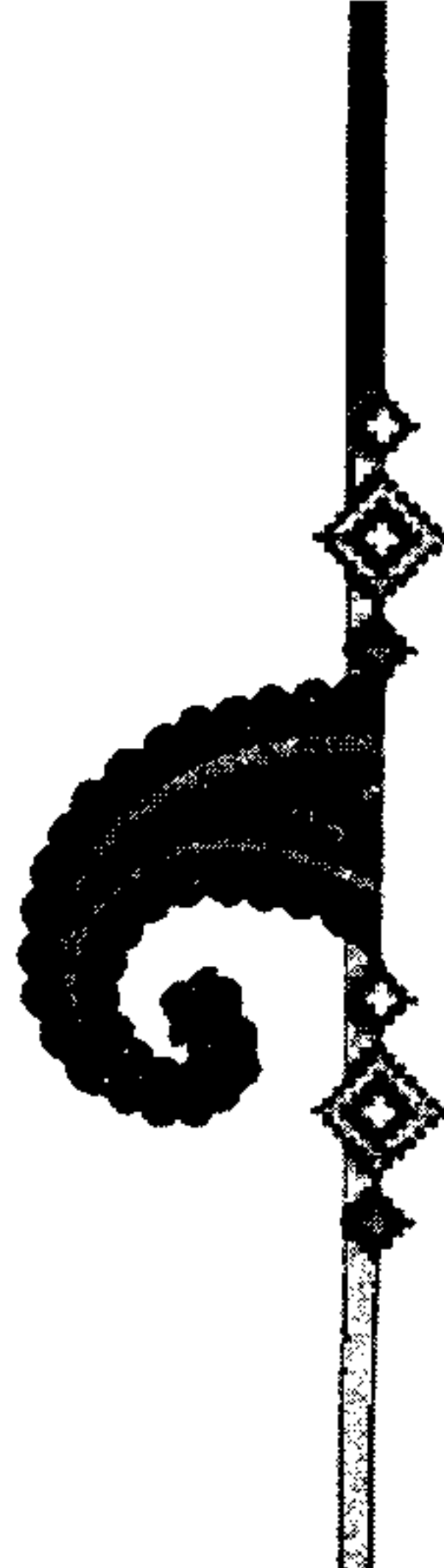
موضوع : مهدویت-- انتظار

شناسه افزوده : آموزش معارف خانواده‌های مهدوی (خانواده‌های بهاری)؛ [ج. ۱].

رده بندی کنگره : ۲۵۳/۴BP ن ۸۱/۹۳ ج ۱۳۸۹

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۶۴۴

شماره کتابشناسی ملی : ۲۴۷۵۷۰۲



خانواده و مهدویت تمدن سازی

نویسنده: مهدی نیلی پور

ویراستاران: محسن آدم زاده،

حمیدرضا حبیبی

حروف نگار: فاطمه جلوانی

طراح: منیر نعمتی

نوبت چاپ: اول / تابستان ۸۹

قطع / تعداد صفحات: پالتویی / ۶۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۴۲۸-۴۵-۲

شمارگان: ۳۰۰۰ جلد

بهاء: ۷۵۰ تومان

مرکز پخش: اصفهان چهارراه عسگریه - ابتدای صغیر -

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام

تلفن: ۲۲۵۵۱۱۵ - ۰۹۱۳۱۱۴۹۳۰۹

حق چاپ محفوظ



مقدمه

برای آسمانیان نقاطی روشن در زمین می‌درخشد و آن نیست مگر خانه‌هایی که شبانگاهان اهلش برای عبادت به پا می‌خیزند و با نور توحید و ولایت زمین و آسمان را نورافشانی می‌نمایند. انسانهای آرمانی و تاریخ‌ساز در بدو امر در خانه‌هایی به ظاهر کوچک و در دامن مادرانی والامقام و شایسته تربیت یافته‌اند و پس از طی مراحل رشد و کمال به عرصهٔ جهانی پا گذاشته و تاریخ ملت‌ها را رقم زده‌اند.

این مختصر راهکارهای تشکیل خانه‌هایی انسان‌ساز و تربیت انسانهایی تاریخ‌ساز و نقش‌کلیدی زنان آسمانی در این حماسه را فراروی شما قرار می‌دهد و در همین راستا با این مباحث آشنا می‌شوید:

✓ خانه‌ها و خانواده‌های ولایی

✓ خانواده‌های آرمانی و تمدن‌ساز در تاریخ

✓ کیفیت ورود به بیوت انبیاء و بیت معنوی

امام زمان علیه السلام

✓ امام زمان شناسی شرط مسلمان زیستن و

مسلمان مردن

✓ نقش زن در انسان‌سازی و سربازپروری برای

جبهه حق

مهدی نیلی‌پور

خرداد ۱۳۸۹

اهداف:

۱. معرفی ملاکها و معیارهای یک خانه و خانواده ولایی
۲. شناخت نقش خانواده‌های آرمانی در تمدن‌سازی دینی
۳. شناخت راهکارهای به عضویت بیوت انبیای الهی درآمدن

فوائد:

۱. تطبیق مشخصات خانه و خانواده خود با یک خانواده ولایی
۲. تلاش برای تأثیرگذاری خانوادگی در جریان سازی دینی و معنوی
۳. اجرای راهکارهای ورود به بیوت انبیای الهی و رسیدن به مقام: «مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ»
۴. توجه به نقش تربیتی زن در جامعه سازی، استحکام و انسجام خانواده

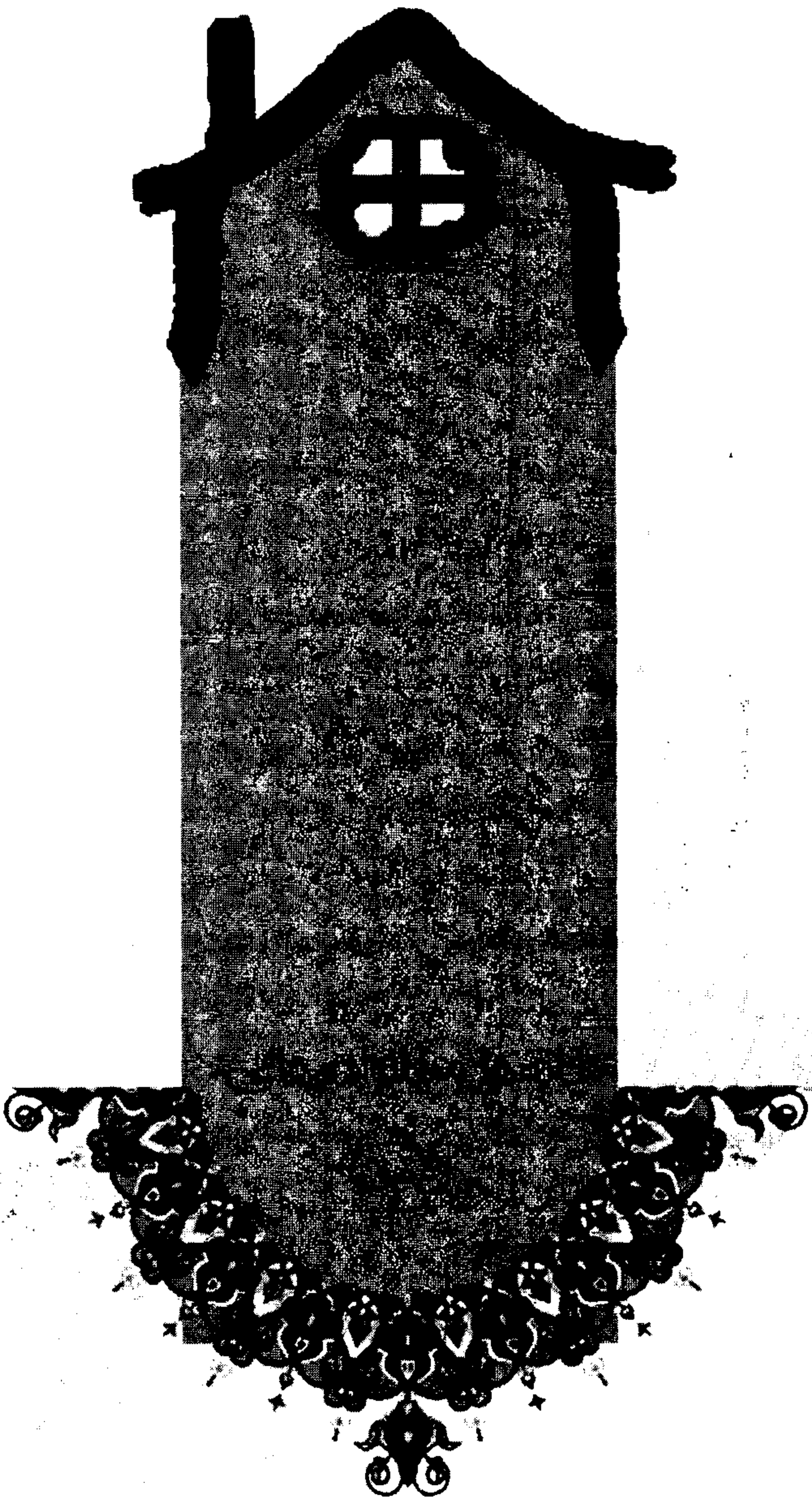
مطالب آموزشی:

۱. تبیین و تشریح شش مورد از مشخصات سلبی خانه‌های ولایی
۲. تبیین و تشریح شش مورد از مشخصات ایجابی خانه‌های ولایی
۳. شناخت خانواده‌های جریان ساز دینی که در این خصوص نقشی اساسی داشته‌اند، بویژه اهل بیت علیهم‌السلام

۴. تقسیم بیوت به بیوت ظاهری و بیوت معنوی، بررسی راههای به عضویت درآمدن بیوت انبیاء و معرفی افرادی که موفق به ورود به این بیوت شده‌اند.

۵. بیان راهکارهایی جهت عضویت در بیت الولاية امام زمان علیه السلام

۶. تحلیل و توضیح نقش مستقیم و غیرمستقیم زن در تاریخ‌سازی



خانه‌ها و خانواده‌های ولایی

برای داشتن یک خانواده مهدوی و ولایی در ابتدا لازم است، خانه‌ای خدایی داشت، چرا که از منظر تربیتی و براساس اصل تأثیر و تأثر، طبیعت، زمین، سنگ و فیزیک خانه بر روح و جسم انسان تأثیرات منفی و یا مثبت از خود به جای می‌گذارند. انسان از محیط اجتماعی اثرپذیری مثبت یا منفی دارد، از نوع لباس و تغذیه و یا آب و هوا و جغرافیای محل زندگی تحت تأثیر قرار می‌گیرد، از محیط خانه و زندگی و حتی لوازم و موجودات داخل خانه نیز تأثیرات مثبت و یا منفی خواهد گرفت.

خانه ولایی از طرفی خانه‌ای است که به نور قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام و ارزشهای والای الهی روشن بوده و از مواهب عرشی، حضور فرشتگان، برکت و معنویت بهره‌مند باشد، و از طرفی خانه‌ای است که از عوامل آسیب‌زای معنوی پاک می‌باشد. برخی از



مواردی که سبب بی برکتی و یا نابودی معنوی خانه و اهل آن می شود عبارتند از:

۴ - ۱. خیانت، دزدی، شرابخواری و زنا

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: (أَرْبَعٌ لَا تَدْخُلُ بَيْتًا وَاحِدَةً مِنْهُنَّ إِلَّا خَرِبَ وَ لَمْ يَعْمُرْ بِالْبِرْكَاتِ: الْخِيَانَةُ وَ السَّرِقَةُ وَ شَرِبُ الْخَمْرِ وَ الزَّانَا).^۱

«چهار چیز است که اگر یکی از آنها به هر خانه‌ای وارد شود آنرا ویران کند و (آن خانه دیگر) از برکت آباد نخواهد شد: خیانت، دزدی، شرابخواری و زنا.»

۵. وجود سگ

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: (إِنَّ جَبْرَائِيلَ أَتَانِي فَقَالَ: إِنَّا مَعَاشِرَ الْمَلَائِكَةِ لَا نَدْخُلُ بَيْتًا فِيهِ كَلْبٌ).^۲

«جبرئیل نزد من آمد و گفت: ما فرشتگان در خانه‌ای که سگ در آن باشد وارد نمی شویم.»

۶. موسیقی حرام

امام صادق علیه السلام فرمودند: (بَيْتُ الْغِنَاءِ لَا تُؤْمِنُ مِنْهُ الْفَجِيئَةُ وَلَا تُجَابُ فِيهِ الدَّعْوَةُ وَلَا يَدْخُلُهُ الْمَلَكُ).^۳

«خانه موسیقی (که همیشه در آن صدای موسیقی حرام به گوش می رسد) از بلای ناگهانی امنیت ندارد و دعا در آن مستجاب نیست و هیچ فرشته‌ای به آن داخل نمی شود.»

۱. میزان الحکمة، ح ۷۶۵۱

۲. بحار، ج ۶۲، ص ۵۳

۳. وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۰۳

پس علاوه بر گناه زدائی و پاکسازی خانه از عوامل «معنویت سوز» خانه‌های مهدوی دارای امتیازات معنوی و نورانیّت هستند، چرا که به عوامل «معنویت‌زا» مزین می‌باشند.

برخی از عوامل معنویت‌زا عبارتند از:

۱. تقوی محوری در ورود و حضور در خانه

✓ (و لیس البرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَىٰ وَ أَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَ اتَّقُوا اللَّهَ) ^۱ «کار نیک، آن نیست که از پشتِ خانه‌ها وارد شوید بلکه نیکی این است که پرهیزگار باشید و از درِ خانه‌ها وارد شوید و تقوا پیشه کنید.»

۲. تلاوت قرآن در خانه

✓ (نُورُوا بُيُوتَكُمْ بِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ... فَإِنَّ الْبَيْتَ إِذَا كَثُرَ فِيهِ تِلَاوَةُ الْقُرْآنِ كَثُرَ خَيْرُهُ وَ اتَّسَعَ أَهْلُهُ) ^۲

[خانه‌های خود را به تلاوت قرآن، نورانی کنید... چرا که هرگاه در خانه تلاوت قرآن بسیار شود، خیر و برکتش زیاد شود و اهل آن به وسعت رسند (بهره‌مند شوند).]

۳. استغفار

✓ قال رسول الله ﷺ : (أَكْثَرُوا مِنَ الْإِسْتِغْفَارِ فِي

۱. بقره/۱۸۹ [مراد آیه این است که در هر کاری از راه آن وارد شوید و مثلاً برای ورود به خانه (و به جهت عظمت و شرافت خانه) از درب آن وارد شوید و این نشانه تقوی است.]

۲. الکافی، ج ۲، ص ۶۱۰

بُيُوتِكُمْ وَ فِي مَجَالِسِكُمْ...»^۱ «در خانه‌هایتان و در مجالستان زیاد استغفار کنید.»
 ۴. اطعام در خانه و میهمان‌پذیری

✓ قال رسول الله ﷺ:

(الْخَيْرُ أَسْرَعُ إِلَى الْبَيْتِ الَّذِي يُطْعَمُ فِيهِ الطَّعَامُ مِنَ الشَّفْرَةِ فِي سَنَامِ الْإِبِلِ).^۲

«خیر و نیکی، به خانه‌ای که در آن اطعام طعام می‌شود زودتر از رسیدن تیغ به کوهان شتر، می‌رسد.»
 ۵. نماز شب

امام رضا علیه السلام فرمودند:

(إِنَّ الْبُيُوتَ الَّتِي يُصَلِّي فِيهَا اللَّيْلَ يَزْهَرُ نُورُهَا لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا يَزْهَرُ نُورُ الْكَوَاكِبِ لِأَهْلِ الْأَرْضِ).^۳
 «خانه‌هایی که در آن نماز شب خوانده شود برای اهل آسمان نورافشانی می‌کند، همانگونه که ستارگان برای اهل زمین نورافشانی می‌نمایند.»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

(رَحِمَ اللَّهُ رَجُلًا قَامَ مِنَ اللَّيْلِ فَصَلَّى وَ أَيْقَظَ امْرَأَتَهُ فَصَلَّتْ، فَإِنْ أَبَتْ نَضَحَ فِي وَجْهِهَا الْمَاءَ، رَحِمَ اللَّهُ امْرَأَةً قَامَتْ مِنَ اللَّيْلِ فَصَلَّتْ وَ أَيْقَظَتْ زَوْجَهَا، فَإِنْ أَبِي نَضَحَتْ فِي وَجْهِهِ الْمَاءَ).^۴

۱. مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۳۱۹

۲. بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۳۶۲

۳. مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۳۳۲

۴. میزان الحکمة، ح ۱۰۷۴۶

«رحمت خدا بر آن مردی باد که نیمه‌های شب برخیزد و نماز بخواند و همسرش را برای نماز خواندن بیدار کند و اگر بیدار نشد آب به صورتش بپاشد، رحمت خدا بر آن زنی که نیمه‌های شب از خواب برخیزد و نماز بخواند و شوهرش را برای نماز بیدار کند و اگر امتناع کرد به صورتش آب بپاشد.»

۶. برگزاری مراسم عروسی

✓ قال الصادق علیه السلام :

(إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يُحِبُّ الْبَيْتَ الَّذِي فِيهِ الْعُرْسُ.)^۱
«خداوند عزوجل خانه‌ای که در آن مراسم عروسی برپا می‌شود را دوست می‌دارد.»

۷. گفتن اذان در خانه

اذان شعار اسلام و خلاصه اندیشه‌های مکتب و نشانه بالندگی دین و از علائم یک شهر و خانه اسلامی به شمار می‌رود.

در آموزه‌های اهل بیت علیهم السلام به گفتن اذان در خانه تأکید شده است، چرا که ندای اذان در محیط خانه، علاوه بر اعلام وقت نماز به اهل خانه و همسایگان، به عنوان امر به معروف و تعظیم شعائر اسلامی، دارای آثار و برکات مادی و معنوی متعددی می‌باشد که در اینجا به ذکر چند مورد آن می‌پردازیم:

۱. کافی، ج ۶، ص ۵۴ (البته به شرطی که چنین مراسمی همراه با گناه نباشد.)

✓ دفع شیاطین از خانه و اهل آن

زُوی عن المعصوم علیه السلام :

(وَأَذِّنْ فِي بَيْتِكَ فَإِنَّهُ يَطْرُدُ الشَّيْطَانَ).^۱

«در خانه‌ات اذان بگو که شیطان را دور می‌کند.»

✓ شفای بیماری‌های روحی و جسمی از اهل خانه و صاحب

فرزند شدن

«در روایت وارد شده که هشام بن ابراهیم از بیماری و اینکه صاحب فرزند نمی‌شود نزد امام رضا علیه السلام شکایت کرد، پس حضرت به او امر فرمودند که با صدای بلند در خانه‌اش اذان بگوید. پس هشام گوید: من چنین کردم، بیماری‌ام برطرف شد و فرزندانم زیاد گشت.»^۲

همچنین اذان گفتن در فضای عمومی جامعه سبب ورود مؤذن به بهشت و غفلت زدایی و گسترش یاد خدا می‌شود.

۱. کافی، ج ۳، ص ۳۰۸

۲. همان، ج ۳، ص ۳۰۸



فانواده‌های

آرمانی و تمدن‌ساز

در تاریخ



خانواده‌های آرمانی و تمدن‌ساز در تاریخ

یکی از روش‌های تربیتی قرآن معرفی خانواده‌هایی است که اعضاء آن در تمدن‌سازی و جریان‌سازی دینی و اجتماعی نقش اساسی داشته‌اند؛ ذکر این خانواده‌ها علاوه بر تقدیر از مجاهدت‌های آنان و توجه به مباحث خانوادگی به نوعی الگونمایی و اسوه‌نمایی نیز می‌باشد، به همین دلیل این خانواده‌ها به عنوان خانواده‌های آرمانی می‌توانند بهترین الگو برای خانواده‌های ولایی و مهدوی قرار گیرند، چرا که این ظرفیت و امکان وجود دارد که یک خانواده به عشق توحید و امام زمان خود، همیشه در صحنه باشد و با فداکاری و کوشش در راه آرمان‌ها و اهداف الهی در زمینه‌سازی تمدن‌طلائی مهدویت نقش ایفا کند، همچنانکه در دوره‌هایی از تاریخ بعضاً نقش تمدن‌سازی و جریان‌سازی دینی بعهده خانواده‌ها بوده است. قرآن کریم داستانهای خانوادگی را با

عنوان «آل و یا اهل» یاد می‌کند؛ آل موسی^۱، آل هارون، آل ابراهیم^۲، آل عمران^۳، آل یعقوب^۴، آل داود^۵ و یا اهل البیت^۶ و در مواردی به بیان داستانهای خانوادگی افرادی همچون لقمان و فرزندش، موسی و مادرش^۷ و ایوب و همسرش می‌پردازد.

در بسیاری از این موارد حرکت‌های اصلاحی انبیاء و اولیاء و رسالت‌های الهی آنان، با هماهنگی و با همکاری خانواده‌ها بوده است، به عنوان نمونه در قصه تاسیس کعبه و پایه‌گذاری بیت الله الحرام، نقش محوری و اساسی برعهده یک بیت صالح و یک خانواده گذارده شده است. قرآن کریم می‌فرماید:

(و إِذْ يَرْفَعُ اِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وِ اسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا...)^۸

۱. مِمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَىٰ وِ آلُ هَارُونَ (بقره/۲۴۸)
۲. رَحْمَةً لِّلّٰهِ وِ بَرَكَاتُهُ اٰهْلَ الْبَيْتِ اِنَّهُ حَمِيْدٌ مَّجِيْدٌ. (هود/۷۳)
۳. اِنَّ اللّٰهَ اصْطَفٰٓ اٰدَمَ وِ نُوحًا وِ اٰلَ اِبْرٰهِيْمَ وِ اٰلَ عِمْرٰنَ عَلٰى الْعٰلَمِيْنَ. (آل عمران/۳۳)

۴. یوسف/۶۱

۵. سبأ/۱۳

۶. اِنَّمَا يُرِيْدُ اللّٰهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ اٰهْلَ الْبَيْتِ (احزاب/۳۳)
۷. وِ حَرَّمَ عَلٰى الْمَرٰضِعِ الْمَرْضَاعِ مِنَ قَبْلِ فِقَالَتْ هَلْ اَدْلٰكُمْ عَلٰى اٰهْلِ بَيْتِ يَكْفُلُوْنَ لَكُمْ وِ هُمْ لَهٗ نٰصِحُوْنَ (قصص/۱۲)

۸. بقره/۱۲۷

[و (نیز به یاد آورید) هنگامی را که ابراهیم و اسماعیل، پایه‌های خانه (کعبه) را بالا می‌بردند (و می‌گفتند): پروردگارا از ما بپذیر...]

نماد این خانواده آرمانی همچنان در کنار بیت‌الله الحرام، بعنوان حجر اسمعیل و حریم خانه و خانواده ابراهیم، در منظر حجاج محفوظ مانده تا همواره یادآور خاطره ابراهیم و فداکاری خانواده پاک و اصیل او باشد.

در حیات معنوی تبلیغی پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله نیز نقش اهل بیت علیهم السلام بسیار پر رونق و مؤثر بوده است و همه اعضای خانواده حضرت در میدان دفاع از توحید و دیانت و ارزشهای اسلامی و انسانی حضور داشته و نقش بسزایی در تأسیس مدینه الرسول و تمدن نبوی و تثبیت حکومت دینی و برتری بخشی مکتب اسلام، ایفاء نموده‌اند.

به همین دلیل به اذن خدا در کنار مسجد النبی، خانه پیامبر صلی الله علیه و آله و خانه امیرالمؤمنین و حضرت زهرا علیها السلام چشم‌نوازی می‌کند تا بیانگر تأثیرات مثبت این خانواده در شکل‌گیری تمدن اسلامی باشد.

در جریان مباحثه که نوعی مقابله و رویارویی نرم و غیرنظامی بین مسیحیت با اسلام تلقی می‌شد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، به همراه خویش، اهل بیت علیهم السلام خود یعنی امیرالمؤمنین علی علیه السلام، فاطمه زهرا علیها السلام، حسن و حسین علیهم السلام را به صحنه آوردند.

این حضور خانوادگی ضمن بیان عظمت مقام علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام و حسنین علیهم السلام دارای پیام تربیتی و خانوادگی و اصالت بخشی به نهاد خانواده و تأثیرات بیوت صالحه در جریان سازی های مثبت تاریخی و دینی و تمدن سازی اسلام نیز می باشد. قرآن در این زمینه می فرماید:

(فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ.)^۱ «هرگاه بعد از علم و دانشی که (درباره مسیح) به تو رسیده (باز) کسانی با تو به محاجه و ستیز برخیزند، به آنها بگو بیاید ما فرزندان خود را دعوت کنیم شما هم فرزندان خود را، ما زنان خویش را دعوت نماییم، شما هم زنان خود را، ما از نفوس خود دعوت کنیم و شما هم از نفوس خود؛ آن گاه مباحله کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.»

در ماجرای حدیث کساء نیز از جمع یک خانواده و یک بیت در زیر عبای یمانی و اجتماع آنان و بیان ذکر تأثیرات وجودی آنها سخن به میان می آید:

✓ (اللَّهُمَّ إِنَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي وَ خَاصَّتِي وَ خَامَّتِي. هُمْ أَهْلُ بَيْتِ النُّبُوَّةِ وَ مَعْدِنِ الرِّسَالَةِ، هُمْ فَاطِمَةُ وَ أَبُوهَا وَ بَعْلُهَا وَ بَنُوهَا.)

«بار الها اینان اهل بیت من و خواص و نزدیکان من می‌باشند. آنها خاندان نبوت و معدن رسالت می‌باشند، یعنی فاطمه و پدرش، فاطمه و شوهرش و فاطمه و فرزندانش.»

در سوره دهر نیز از یک حرکت هماهنگ خانوادگی در راه خدا سخن گفته می‌شود: (و يُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ...)

[به خاطر محبت خدا به مسکین و یتیم و اسیر غذا می‌دهند (و می‌گویند) ما فقط به خاطر خدا شما را اطعام می‌کنیم...]

در ماجرای تمدن‌ساز عاشوراء نیز امام حسین علیه السلام با همهٔ اعضاء خانواده خود به خلق حماسه بزرگ عاشوراء پرداخت و همهٔ اعضای خانوادهٔ او، حتی طفل شیرخوارش در این راستا نقش مهم و بسزایی ایفا کردند، که بی‌شک یکی از علل و عوامل ماندگاری و تأثیرگذاری این نهضت در طول تاریخ، همین حضور خانوادگی است. شهید مطهری (ره) در این زمینه می‌فرمایند:

✓ «ابا عبدالله اهل بیت خودش را حرکت می‌دهد برای اینکه در این تاریخ عظیم، رسالتی را انجام دهند، برای اینکه نقش مستقیمی در ساختن این تاریخ عظیم داشته باشند، با قافله سالاری زینب، بدون آن که از مدار خودشان خارج بشوند. از عصر

عاشوراء، زینب تجلی می کند، از آن به بعد به او واگذار شده بود.»^۱

✓ «بودن اهل بیت امام حسین علیه السلام در صحنه کربلا، صحنه را بسیار بسیار داغتر کرد و در واقع امام حسین علیه السلام یک عده مبلغ را طوری استخدام کرد که بعد از شهادتش، آنها را با دست و نیروی دشمن تا قلب حکومت دشمن یعنی شام فرستاد. این خودش یک تاکتیک عجیب و یک کار فوق العاده است. همه برای این است که این صدا هر چه بیشتر به عالم برسد، بیشتر به جهان آن روز اسلام برسد و بیشتر ابعاد تاریخ و ابعاد زمان را بشکافد و هیچ مانعی در راه آن وجود نداشته باشد.»^۲

✓ «کار اباعبدالله یک کار حساب شده است، یک رسالت و یک مأموریت است. اهل بیتش را به عنوان طفیلی همراه خود نمی برد که خوب، من که می روم، زن و بچه ام هم همراهم باشند. غیر از سه نفر که دیشب اسم بردم^۳، هیچیک از همراهان

۱. حماسه حسینی، ج ۱، ص ۳۳۲

۲. همان، ج ۱، ص ۲۷۲

۳. مسلم بن عوسجه، حرث (عمرو) بن جناده، عبدالله بن عمیر (البته غیر از این سه مورد که استاد مطهری (ره) ذکر کرده اند در بزخی مقاتل به ام کلثوم صغری، همسر قاسم بن محمد بن جعفر که در کربلا شهید نیز شد، نیز اشاره شده است.)

اباعبدالله، زن و بچه‌اش همراهش نبود. آدم که به یک سفر خطرناک می‌رود، زن و بچه‌اش را که نمی‌برد. اما اباعبدالله زن و بچه‌اش را برد، نه به اعتبار اینکه خودم می‌روم، پس زن و بچه‌ام را هم ببرم (خانه و زندگی و همه چیز امام حسین علیه السلام در مدینه بود). بلکه آنها را به این جهت برد که رسالتی در این سفر انجام بدهند.^۱

با ذکر این شواهد نتیجه می‌گیریم که اساساً یکی از مشخصات اولیاء الهی، حرکت خانوادگی آنان به سوی آرمانهای مقدس توحیدی و ولایی تا سرحدّ فدایی شدن خود و خانواده در این مسیر است و شایسته است خانواده‌های مهدوی و مهدی‌یاور نیز در مسیر جان‌فشانی حضرت قدم بردارند و از رفاه، خانه، وقت، ثروت و حتی در صورت لزوم از اهداء جان خود نیز دریغ ننمایند.

در زیارت جامعه کبیره می‌خوانیم:

✓ بِأَبِي أَنْتُمْ وِ أُمِّي وِ نَفْسِي وِ أَهْلِي وِ مَالِي...
(دو مرتبه) «پدر و مادرم و خودم و خانواده‌ام و مالم به فدای شما»

✓ بِأَبِي أَنْتُمْ وِ أُمِّي وِ نَفْسِي وِ... (دو مرتبه)

«پدر مادر و جانم به فدای شما»

✓ بِأَبِي أَنْتُمْ وِ أُمِّي وِ أَهْلِي وِ مَالِي وِ أُسْرَتِي
(یک مرتبه)

«پدر و مادر و خانواده‌ام و مالم و تمام اقوام نزدیکم
به فدای شما»

در دعای ندبه نیز می‌خوانیم:
(بأبي أنت و أمي و نفسي لك الوقاء و الحمى)
«پدر و مادرم به فدایت و خودم بلاگردان و سپر
پیش روی تو باشم»

همچنین گاهی در زیارات و سلام به محضر
صاحب الزمان عليه السلام، سلام‌های خانوادگی اهداء
می‌کنیم:

«اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَايَ صَاحِبَ الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللَّهِ
عَلَيْهِ... وَ عَنُ وَالِدَيْ و وُلْدِي و عَنِّي مِنَ الصَّلَوَاتِ
وَالْتَحِيَّاتِ زِنَةَ عَرْشِ اللَّهِ و...»^۱

«خدایا برسان به مولای من حضرت صاحب الزمان
(که دروذهای تو بر او باد)... و از طرف پدر و مادر و
فرزندان و خود من، درودها و تحیت‌هایی هم‌وزن عرش
خدا و...»



کیفیت ورود به بیوت

انبیاء و بیت معنوی

امام زمان علیه السلام



کیفیت ورود به بیوت انبیاء و بیت معنوی امام زمان علیه السلام

قرآن کریم از زبان حضرت نوح می فرماید:
(رَبِّ اغْفِرْ لِي و لِوَالِدَيَّ و لِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي
مُؤْمِنًا...)^۱

«پروردگارا! مرا و پدر و مادرم و تمام کسانی که با
ایمان وارد خانه من شدند را بیامرزش...»
در روایات آل الله ذیل آیه شریفه آمده است که
امام صادق علیه السلام فرمودند:

(يَعْنِي الْوَلَايَةَ مَنْ دَخَلَ فِيهَا دَخَلَ بُيُوتَ
الْأَنْبِيَاءِ...)^۲

«یعنی قبول ولایت کند، هر که داخل ولایت
آل محمد صلی الله علیه و آله شود داخل بیوت انبیاء شد.»
واژه بیت، بیوت، بیوت الأنبیاء، اهل البیت در
فرهنگ قرآن و روایات می تواند دارای دو معنای

۱. نوح/۲۸

۲. بحار الأنوار، ج ۱۱، ص ۳۱۵

ظاهری و باطنی (مادی و معنوی) باشد؛ علامه مجلسی رحمته الله در توضیح این آیه شریفه می‌فرمایند: ^۱

«شاید مراد از بیت، بیت معنوی باشد و لذا خانه‌های پیامبران همگی یک خانه محسوب می‌شود که آن خانه عزت و شرف و کرامت و اسلام است پس هر کس آنها را دوست بدارد (و سرپرستی ایشان را بپذیرد) در خانه‌های آنان داخل شود و به ایشان ملحق گردد پس شیعیان (به سبب قبول ولایت) در این بیت معنوی داخلند و مشمول دعای نوح قرار می‌گیرند.»

بر این اساس برای هر یک از دوستداران ولایت، امکان و فرصت به عضویت درآمدن در بیت الأنبیاء و بیت الولاية وجود دارد و همه ما می‌توانیم از اعضای معنوی خانواده عظیم مهدویت و امام مهدی علیه السلام قرار بگیریم همچنان که این تهدید وجود دارد که برخی از اعضاء به سبب انجام برخی اعمال از این بیوت اخراج شوند.

حضرت آیت الله جوادی آملی در شرح زیارت جامعه در ذیل عبارت: «السَّلامَ عَلَیْکُمْ یا أَهْلَ بَیتِ النَّبُوَّةِ» می‌فرمایند:

۱. (لعلّ المعنى أن المراد بالبيت، البيت المعنوی كما مرّ و بیوت الأنبياء کُلُّها بیت واحد، هی بیت العزّ و الشرف و الکرامة و الإسلام فمن تولّاهم فقد دَخَلَ بیوتهم و لِحَقَّ بهم فأهل الولاية من الشيعة داخلون في هذا البيت و یَشْمَلُهُم دعاء نوح علیه السلام)

ارتباط با هر خانه، رفت و آمد، وابستگی، پیوستگی و اهلیت پیدا کردن با آن، از طریق اسباب و مقدمات متناسب با همان خانه امکان دارد. ارتباط با خانهٔ مرد بزرگوار مکی و مدنی یعنی محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله از طریق قرابت سببی، نسبی، رفاقت، رحامت، همسایگی و... ممکن است. از این جهت نه تنها زن‌های آن حضرت و فرزندان او با خانه‌اش ارتباط داشتند، بلکه بستگان دیگر نیز با خانهٔ او در ارتباط بودند (چنانکه قبل از فتح مکه، ابوسفیان در حالی که هنوز مشرک بود، وارد خانهٔ دختر خود، امّ حبیبه، همسر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله شد و امّ حبیبه نیز برخورد تندی با او کرد که در تاریخ معروف است...) لیکن ارتباط با بیتی که منسوب به مقام نبوت است به اسباب مخصوصی نیاز دارد و ارتباط سببی، نسبی و... کفایت نمی‌کند. با این ملاک حتی کسانی همانند نه امام بعد از امام حسین علیه السلام که زمان حیات پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله را درک نکردند یا احیاناً برخی از آن بزرگواران خانهٔ آن حضرت را در مکه و مدینه ندیده‌اند نیز می‌توانند اهل بیت نبوت باشند.

بدین ترتیب «بیت» در این ترکیب، به معنای خانهٔ سنگی و گلی که در مکه و مدینه از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به یادگار مانده، نیست بلکه بیت نبوت و رسالت مراد است یعنی خانهٔ شخصیت حقوقی

پیامبر نه خانه شخصیت حقیقی آن حضرت
شاهدی که شاید بتوان بر این مطلب اقامه کرد این
است: هر گاه قرآن کریم از این خانه سنگ و گلی
یعنی خانه شخصیت حقیقی نه حقوقی نام برده با
صیغه جمع یاد کرده است خواه زمانی که به خود
آن حضرت نسبت داده:

(يا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ
يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَى طَعَامٍ غَيْرِ نَاطِرِينَ إِنَّهَا)
خواه زمانی که به زنهای آن حضرت نسبت
داده است:

(و قرن في بيوتكنّ ولا تبرجن تبرج الجاهلية
الأولى)

(واذكرن ما يُتلى في بيوتكنّ من آيات الله
والحكمة)

روشن است خانه‌ای که مؤمنان برای غذا
خوردن در آن جمع می‌شدند و پس از غذا
می‌نشستند و مزاحمت برای پیغمبر ایجاد می‌کردند
و پیغمبر از تذکر دادن به آنها شرم می‌کرد خانه
سنگی و گلی بود.

به بیان دیگر: مراد از بیت نبوت، خانه‌ای است
که رابط بین زمین و آسمان است، نه خانه‌ای که
بدن مُلکی پیامبر خدا ﷺ در آن زیست می‌کرد،
شب هنگام در آن می‌آرمید، همسران آن حضرت
در آنجا سُکنا داشتند و... هر چند که آن خانه

سنگی و گلی نیز از جهت انتساب ظاهری به آن حضرت شایسته تکریم و تعظیم بوده و می باشد.

این خانه، خانه نبوت و ولایت است که مصالح آن، فضایل و کمالات معنوی و سایر اموری است که با ولایت تناسب دارد، نه خانه محمدبن عبدالله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و نه خانه زن های آن حضرت. بنابراین اهل این خانه کسانی هستند که با این فضایل و کمالات ارتباط تام و کامل دارند.^۱

تاریخ نمایشی از کسانی که از بیوت انبیاء اخراج شده اند را به تصویر می کشد و از آنان به عنوان اخراجی و یا انصرافی (انصراف از عضویت) و یا نااهلان در بیوت انبیاء یاد می کند.

حضرت رضا عَلَيْهِ السَّلَام در تبیین چگونگی و علت طرد فرزند نوح از خاندان نبوت می فرمایند:

(إِنَّ نوحاً عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «رَبِّ إِبْنِي مَنْ أَهْلِي وَ إِنِّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَ أَنْتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ.» فَقَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: «يَا نوح إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ» فَأَخْرَجَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مِنْ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَهْلِهِ بِمَغْصَبِيَّتِهِ.)^۲

[همانا نوح گفت: «پروردگارا پسر من هم از اهل من محسوب می شود و به درستی که وعده تو حق و بهترین حکم کنندگان خواهی بود.» پس خداوند

۱. ادب فنای مقربان، ج ۱، ص ۱۰۹ به بعد

۲. نوح/۲۸۱

عزوجل فرمود: «ای نوح او از اهل تو نیست چرا که او عمل (فردی) غیر صالحی است.» سپس خداوند به خاطر معصیت و نافرمانی که کرد او را از اهل او (نوح) اخراج کرد.]

حسن بن موسی بغدادی می گوید: «من در خراسان در محضر علی بن موسی الرضا علیه السلام بودم و زید بن موسی (برادر حضرت) نیز حضور داشت و رو به عده‌ای از مجلسیان کرده بود و بر آنان فخر می فروخت و می گفت: ما چنین و چنانیم. حضرت رضا علیه السلام که مشغول سخن گفتن برای عده‌ای دیگر بود، سخنان زید را شنید و رو به او کرده، فرمود: «ای زید آیا این سخن سبزی فروشان کوفه تو را مغرور ساخته است که می گویند: فاطمه، دامن خود را پاک نگهداشت و از این رو، خداوند آتش را بر ذریه او حرام کرد؟! به خدا قسم که این فقط اختصاص به حسن و حسین و فرزندی دارد که از شکم او زائیده شده باشد، اما اینکه موسی بن جعفر، خدا را اطاعت کند و روزها روزه بگیرد و شبها را به عبادت گذراند و تو معصیت خدا کنی و سپس در روز قیامت یکسان باشید در این صورت تو نزد خدای عزوجل عزیزتر از او خواهی بود! علی بن الحسین علیه السلام می فرمود: «برای نیکوکار ما دو بهره از پاداش است و برای بدکردار ما دو برابر عذاب» سپس آن حضرت رو به من کرد و فرمود:

«ای حسن! این آیه: «قال یا نوحُ إِنَّه لیس مِنْ أَهْلِکَ إِنَّه عملٌ غیرٌ صالحٍ» را چگونه قرائت می‌کنید؟ عرض کردم بعضی‌ها آن را «إِنَّه عملٌ غیرٌ صالحٍ»^۱ قرائت می‌کنند و برخی دیگر آنرا «إِنَّه عملٌ غیرِ صالحٍ» (به اضافه) قرائت می‌کنند، پس کسی که به صورت دوم قرائت می‌کند او را از فرزندی نوح نفی می‌کند. حضرت فرمود: هرگز! او فرزند نوح بود اما چون خدای عزوجل را نافرمانی کرد، خداوند او را از پدرش نفی کرد. همین‌طور، هر یک از ما اهل بیت که خدای عزوجل را نافرمانی کند از ما نیست و تو نیز چنانچه خداوند را فرمان بری، از ما اهل بیت هستی.»^۲

بر همین اساس است که امام صادق علیه السلام در مقام ارزش‌گذاری میان «وابستگی نسبی» به امیرالمؤمنین علیه السلام و «وابستگی فکری و عملی» به آن حضرت می‌فرمایند:

(وَلَا یَتِی لِعَلِیِّ ابْنِ ابِیطَالِبٍ علیه السلام أَحَبُّ إِلَیَّ مِنْ وَلاَدَتِی مِنْهُ لِأَنَّ وَلا یَتِی لِعَلِیِّ ابْنِ ابِیطَالِبٍ علیه السلام فَرَضٌ وَ وَلاَدَتِی مِنْهُ فَضْلٌ.)^۳

«داشتن ولایت علی ابن ابیطالب علیه السلام برای من

۱. یعنی «غیر» را صفت برای «عمل» می‌گیرند و برطبق این ترکیب معنای آیه آن است که پسر نوح فرزند او بود اما اهلیت نداشت.

۲. اهل بیت در قرآن و حدیث، ح ۱۲۶۹

۳. بحار الأنوار، ج ۳۹، ص ۳۰۱

محبوبتر از آن است که از نسل او متولد شده‌ام، زیرا داشتن ولایت ایشان بر من واجب است و ولادت من از نسل ایشان تفضلی (از سوی خدا) برای من به شمار می‌رود.»

از سوی دیگر حضرت صادق علیه السلام در تفسیر آیه «رَبِّ اغْفِرْ لِي و لِوَالِدَيَّ و لِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا»^۱ راه ورود به بیت الأنبياء را این چنین تبیین می‌فرمایند:

(يَعْنِي الْوَلَايَةَ مَنْ دَخَلَ فِي الْوَلَايَةِ دَخَلَ فِي بَيْتِ الْأَنْبِيَاءِ وَ قَوْلِهِ إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا يَعْنِي الْأَئِمَّةَ وَ وَلايَتَهُم مَّنْ دَخَلَ فِيهَا دَخَلَ فِي بَيْتِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)^۲

[یعنی هر کس داخل در ولایت شود (ولایت را قبول کند)، داخل در بیت انبیاء شود و فرمود: حضرت حق که «خداوند فقط می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد.» یعنی ائمه علیهم السلام و ولایت و سرپرستی ایشان (پس) هر کس در ولایت ائمه علیهم السلام داخل شود (و ولایت را بپذیرد) در بیت نبی مکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ داخل شود.]

لذا بر همه ما لازم است با سخت‌کوشی و بررسی راهکارهای به عضویت درآمدن به بیوت رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، شایستگی رسیدن به مقام «مِنَّا اهل

۱. نوح/۲۸

۲. بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۳۳۰

البیت» را در خود ایجاد کنیم. امام صادق علیه السلام فرمودند: (إِيَّاكُمْ أَنْ تَعْمَلُوا عَمَلًا يُغَيِّرُونَا، فَإِنَّ وِلْدَ السُّوءِ يُغَيِّرُ وَالِدَهُ بِعَمَلِهِ...) ^۱

«مبادا کاری کنید که به سبب آن ما را سرزنش کنند، زیرا به سبب کردار فرزند بد، پدر او سرزنش می‌شود.»

آری یکی از زیباترین حالات معنوی، ادراک رابطه پدری و فرزندی بین خود و امام زمان علیه السلام و به عضویت معنوی درآمدن در خانواده اهل بیت و خود را تحت تربیت امام قرار دادن است، چرا که امام مربی و هادی باطنی و پدر معنوی ما به حساب می‌آید.

علامه طباطبائی رحمته الله در ذیل آیه: «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا...» ^۲ می‌فرمایند:

«ظاهر جمله «يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا» (هدایت به امر) مفسر معنای امامت (ائمه) است و آنچه در خصوص این مقام خاطر نشان می‌کنیم این است که این هدایت که خدا آن را از شؤون امامت قرار داده، هدایت بمعنای راهنمایی (ارائه طریق) نیست... (بلکه) بمعنای رساندن به مقصود است و این معنا یک نوع تصرف تکوینی در نفوس است که با آن تصرف، راه را برای بردن دلها به سوی

۱. اهل بیت در قرآن و حدیث، ص ۴۸۶، ح ۷۶۰

۲. انبیاء/۷۳

کمال و انتقال دادن آنها از موقفی به موقفی بالاتر، هموار می‌سازد.»^۱

بنابر این یکی از شئون امام، هدایت باطنی و تربیت نفوس است و ما باید بکوشیم خود و خانواده خود را تحت تربیت او قرار دهیم و امام را به عنوان پدر خویش انتخاب کنیم تا تحت عنایات و کرامتهای پدرانه او قرار گیریم و به یک شکوفائی تربیتی و معنوی برسیم. حضرت رضا علیه السلام می‌فرمایند:

(الامام... الوالد الشَّفِيقُ وَالْأَخُ الشَّقِيقُ وَ مَفْرَعُ الْعِبَادِ فِي الدَّاهِيَةِ).^۲

«امام پدری خیرخواه و برادری مهربان و پناهگاهی برای بندگان در سختی‌هاست.»

همچنین رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

(يا علي... أنا و أنت أبوا هذه الأمة).^۳

«یا علی من و تو پدران (معنوی) این امت هستید.»
بنابراین علاوه بر رابطه امام و مأمومی بین ما و حضرت مهدی علیه السلام می‌توان از دیدگاه تربیتی، رابطه پدر و فرزندی با امام علیه السلام داشت و خود را به عنوان یک متربی و یک انسان نیازمند به تربیت، تحت تربیت آن پدر معنوی درآورد و از هدایتهای مستمر

۱. تفسیر المیزان، ذیل آیه شریفه

۲. احتجاج، ج ۲، ص ۴۳۴

۳. أمالی صدوق، ص ۳۳۲

و مداوم تشریحی و تکوینی حضرت بهره گرفت.
در روایات اهل بیت علیهم‌السلام به برخی از اصحاب
معصومین علیهم‌السلام که به این مقام والا (مقام مینا اهل
البیت) نائل گشته‌اند، اشاره شده است:

✓ اباذر خفاری – قال رسول الله صلی الله علیه و آله :

«یا أباذر إنَّک مِنَّا أهلَ البیتِ»^۱

«ای ابوذر تو از ما اهل بیت هستی.»

✓ سلمان فارسی – قال رسول الله صلی الله علیه و آله :

«سلمانُ مِنَّا أهلَ البیتِ»^۲

«سلمان از ما اهل بیت است.»

✓ ابو عبیده حذاء – قال الصادق علیه‌السلام :

«إنَّ أباعُبَیْدَةَ مِنَّا أهلَ البیتِ»^۳

«ابوعبیده (حذاء) از ما اهل بیت است.»

✓ عمر بن یزید – قال الصادق علیه‌السلام :

«یا بن یزید أنت والله مِنَّا أهلَ البیتِ»^۴

«ای پسر یزید! به خدا قسم تو از ما خاندان

هستی.»

✓ یونس بن یعقوب – قال الصادق علیه‌السلام :

«إنَّما أنت رجُلٌ مِنَّا أهلَ البیتِ»^۵

۱. مکارم الأخلاق، ج ۲، ص ۳۶۳

۲. مسند ابی یعلی، ج ۶، ص ۱۷۷

۳. مستطرفات السرائر، ج ۴، ص ۴۰

۴. أمالی طوسی، ص ۵۳

۵. رجال کشی، ج ۲، ص ۶۸۵

«تو (ای یونس) مردی از خاندان ما هستی.»

✓ سعد الخیر - قال الباقر علیه السلام :

«أنت أمویٌّ مِنَّا أهلَ البیتِ»^۱

«تو (سعدالخیر) امویی هستی که از ما خاندان

می باشی.»

✓ عیسی بن عبدالله قتی - قال الصادق علیه السلام :

«عیسی بن عبدالله رَجُلٌ مِنَّا حَیًّا و هو مِنَّا مَیِّتًا»^۲

«عیسی بن عبدالله، فردی از ما خاندان است، زنده

باشد یا مرده.»

اهل بیت علیهم السلام در کنار معرفی اشخاصی که به مقام «مِنَّا أهلَ البیت» رسیده‌اند، به توصیف صفاتی که انسانها را به این مقام می‌رساند پرداخته‌اند تا از این طریق راه نیل به این جایگاه را پیش روی همگان قرار دهند.

۱. اهل بیت در قرآن و حدیث، ص ۸۴۶، ح ۱۲۹۱

۲. همان، ص ۸۵۲، ح ۱۳۰۰

راهکارهای عضویت در بیت الولاية امام زمان علیه السلام:

از آنجا که مهمترین خانه الهی در عصر امروز، خانه امام زمان علیه السلام است و ورود به آن شرط عضویت در بیوت انبیاء به شمار می رود، به برخی از مهمترین راهکارهای عضویت در خانه آن حضرت اشاره می کنیم:

۱. عشق و محبت اهل بیت علیهم السلام

امام باقر علیه السلام فرمودند:

(مَنْ أَحَبَّنَا فَهُوَ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ)^۱

«هر کس ما را دوست بدارد او از ما اهل بیت است.»

۲. تقوی و اصلاح طلبی

امام صادق علیه السلام فرمودند:

(مَنْ اتَّقَى مِنْكُمْ وَ أَصْلَحَ فَهُوَ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ)^۲

«هر یک از شما که پرهیزگار و اصلاح گر باشد، از ما

اهل بیت است.»

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: (أَلُّ مُحَمَّدٍ كُلُّ تَقِيٍّ)^۳

«هر پرهیزگاری، از خاندان محمد است.»

۳. اطاعت و پیروی از خدا

امام رضا علیه السلام فرمودند:

(إِذَا أَطَعْتَ اللَّهَ فَأَنْتَ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ)^۴

۱. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۳۱

۲. اهل بیت در قرآن و حدیث، ح ۱۲۶۸

۳. همان ح ۱۲۶۵

۴. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۳۲

«اگر از خداوند فرمان بری، از ما اهل بیت هستی.»

۴. قبول و دخول در ولایت اهل بیت (ولاء سیاسی)

امام صادق علیه السلام فرمودند:

(... مَنْ دَخَلَ فِيهَا (وَلَايَتَهُمْ) دَخَلَ فِي بَيْتِ

النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ)^۱

«هر کس در ولایت ائمه اطهار علیهم السلام داخل شود در

خانه پیغمبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وارد شده است.»

۵. شیعه خاص و خالص

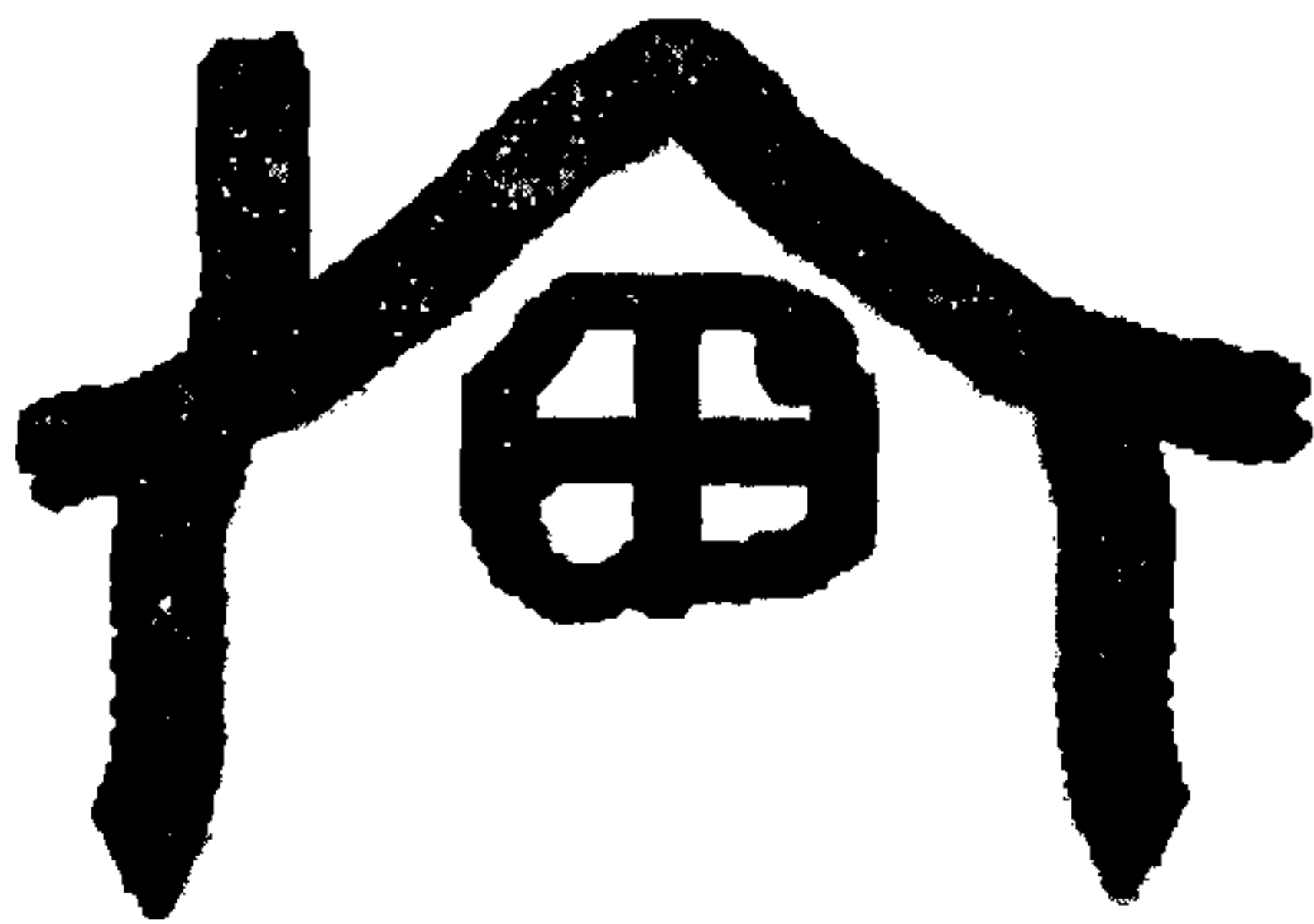
رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند:

(إِنَّ الشَّيْعَةَ الْخَاصَّةَ الْخَالِصَةَ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ.)^۲

«شیعیان خاص و ناب، از ما اهل بیت هستند.»

۱. الکافی، ج ۱، ص ۴۲۳

۲. همان، ج ۸، ص ۳۳۳



امام زمان شناسی

شرط مسلمان زیستن

و مسلمان مردن



می دهد.

✓ انبیای الهی خود را مسلمان و پیشگامان اسلام پذیری و تسلیم شدن در برابر خدا معرفی می کرده‌اند^۱ و برگزیدن این شیوه را دستور الهی می شمردند.^۲

✓ همچنین انبیای الهی به عنوان یکی از مهمترین سفارشات و وصیت‌ها، فرزندان و امت خود را به مسلمان زیستن و مسلمان مردن سفارش می کردند.

قرآن می فرماید: (وَ وَصَّی بِهَا اِبْرَاهِیْمُ بَنِیْهِ وَ یَعْقُوبَ یَا بَنِیَّ اِنَّ اللّٰهَ اصْطَفٰی لَكُمْ الدِّیْنَ فَلَا تَمُوتُنَّ اِلَّا وَ اَنْتُمْ مُسْلِمُوْنَ).^۳

[و ابراهیم و یعقوب (در لحظات آخر عمر) فرزندان خود را به آیین (اسلام) وصیت کردند که: «فرزندان من! خداوند این آیین پاک را برای شما برگزیده است و شما جز به آیین اسلام از دنیا نروید.»]

✓ و مردان الهی نیز آخرین آرزویشان، مسلمان انتقال یافتن از دنیا بوده است، چنانچه سحره فرعون پس از توبه به خاطر معارضه با پیامبر الهی حضرت موسی و قبل از شهادت دست به دعا برداشتند و به عنوان آخرین آرزو مسلمان مردن را

۱. (انعام/۱۶۳)، (احقاف/۱۵)

۲. (انعام/۷۱)، (یونس/۷۲)، (نمل/۹۰)

۳. بقره/۱۳۲

از خدا طلب کردند:

(رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ تَوَفَّنَا مُسْلِمِينَ).^۱

گذشته از اهمیت اسلام و تسلیم‌پذیری در فرهنگ دینی، روایات معصومین علیهم‌السلام براساس مستندات قرآنی، شرط مسلمانی و اسلامیت در زمان حیات و ممات را امام‌شناسی و طی طریق بر محور ولایت اهل‌بیت علیهم‌السلام معرفی می‌کند.

اینکه خداوند متعال در آیات مربوط به عید غدیر خم، پس از معرفی حضرت علی علیه‌السلام به عنوان جانشین پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، اسلام را مورد رضایت خود می‌خواند، بیانگر این مطلب است که حقیقت اسلام، ولایت محوری و تسلیم در برابر فرامین و هدایت‌های امام معصوم است، چنانچه امام صادق علیه‌السلام در تفسیر آیه شریفه: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً...) ^۲

«ای اهل ایمان همگی در (حصن) اسلام، صلح و آشتی (و تسلیم مطلق خدا بودن) وارد شوید...»

فرمودند: [مراد از «سِلْم» در این آیه، ولایت علی علیه‌السلام و امامان پس از اوست].^۳

نیز حضرتش در روایتی ورود به «سِلْم» را به امام‌شناسی و کسب معرفت اهل‌بیت علیهم‌السلام تعبیر

۱. اعراف/ ۱۲۶

۲. بقره/ ۲۰۸

۳. تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۴۹

می نمایند.^۱

«چنانچه در روایات آمده است: «وَلَايَةُ عَلِيٍّ ابْنِ أَبِيطَالِبٍ حِصْنِي» و ناگفته پیداست که دخول در حصن و دژ، دخول در سلم، سلامتی و آرامش است و چه آرامشی بالاتر از اینکه انسان احساس کند رهبرش، الهی، معصوم، آگاه، دلسوز و پیشگامترین افراد در همه ارزشها و کمالات است.»^۲

بر این اساس یک خانواده مسلمان، برای مسلمان زیستن و مسلمان مردن و کسب «حیات طیبه» و انتقال با همین حالت به سرای جاویدان، لازم است به اکسیر و گنج «معرفت امام» خویش دست پیدا کند و همچنانکه ابراهیم و یعقوب پیامبر، به فرزندان خود توصیه به مسلمان بودن و مسلمان مردن می نمودند، خانواده‌های ما نیز باید برای ولایت محوری و امام زمانی بودن تلاش داشته باشند. حضرت آیه الله جوادی آملی در این خصوص می فرماید:

مسلمان از دنیا رفتن، از وصایای مشترک انبیاء و اولیای الهی است، چنان که به بیان قرآن کریم حضرت یعقوب علیه السلام به فرزندانش وصیت فرمود:

«يَا بُنَيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى لَكُمْ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا

۱. تفسیر نورالثقلین، ص ۲۵۰

۲. تفسیر نور، ج ۱، ص ۳۲۷

و أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ»^۱

هرگز مرگ را به گونه‌ای دیگر بر خود روا مدارید و نامسلمان نمیرید؛ و یوسف علیه السلام نیز آن هنگام که مالک مصر بود و تمام قدرت‌های آن روز را در اختیار داشت به خدای سبحان عرض کرد خدایا: ملک و مُلک را به من و دیگران مرحمت فرموده‌ای، توفیقی عطا کن تا به وصیت حضرت یعقوب عمل شود و مسلمان بمیرم: «رَبِّ قَدْ آتَيْتَنِي مِنْ الْمُلْكِ وَ عَلَّمْتَنِي مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ أَنْتَ وَلِيِّ فِی الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ تَوَفَّنِي مُسْلِمًا وَ الْحَقِّنِي بِالصَّالِحِينَ»^۲

قرآن حیات واقعی را ایمان و مرگ واقعی را کفر می‌داند چنانچه این معنا از فرهنگ عمومی آیات قرآن برداشت می‌شود، قرآن می‌فرماید:

(أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَ جَعَلْنَا لَهُ نُورًا...) ^۳

«آیا آن کسی که (دلش به کفر) مرده بود و ما او را

(با نور ایمان) زنده کردیم و برایش نوری قرار دادیم...»

امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه فرمودند: [همانا این آیه دربارهٔ عمار بن یاسر هنگامی که ایمان آورد (و دلش به نور ایمان زنده شد) نازل گشت.]^۴

۱. بقره/۱۳۲

۲. یوسف/۱۰۱

۳. انعام/۱۲۲

۴. تفسیر نورالثقلین، ج ۲، ص ۳۹۵

به همین دلیل قرآن زندگی کافران را با مرگ مساوی می‌داند و حیات مؤمنانه را زندگانی حقیقی می‌شمارد، پس مسلمان واقعی زیستن و مردن، که به معنای حیات حقیقی داشتن است، تنها در گرو شناخت ولیّ خدا و امام هر عصر و نیز پیروی از اوست.^۱ و به این معنا در روایات اشاره شده است چنانچه امام باقر علیه السلام در تفسیر همین آیه فرمودند:

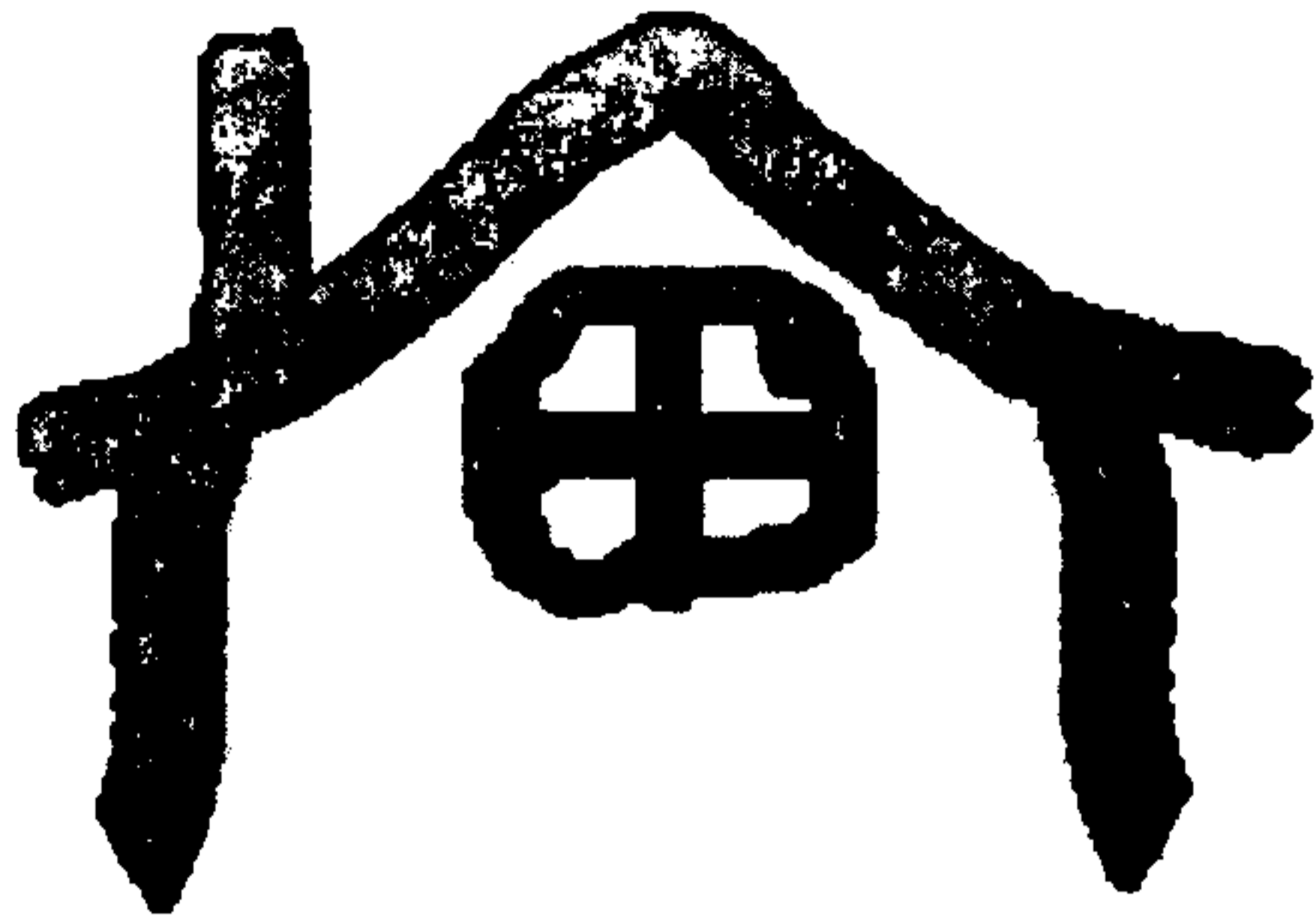
(الْمَيِّتُ الَّذِي لَا يَعْرِفُ هَذَا الشَّأْنَ يَعْنِي هَذَا الْأَمْرُ)^۲

«مرده کسی است که این امر (ولایت ما اهل بیت) را

نمی‌شناسد.»

۱. امام مهدی علیه السلام موجود موعود، ص ۴۰ و ۴۱

۲. تفسیر نورالثقلین، ج ۲، ص ۳۹۵



نقش زن در



نقش زن در انسان سازی و سرباز پروری برای جبهه حق

از دیدگاه قرآن زن گاهی به عنوان تکمله (کامل کننده) وجود مرد (زوج) و گاهی بدون وجود مرد مستقلاً در جریان تاریخ سازی و تمدن آفرینی و انسان سازی، نقش منحصر به فردی را در اختیار دارد.

در مورد اول برای نمونه، قرآن تربیت و آفرینش شخصیت پیامبران بزرگ الهی، همچون: ابراهیم، اسماعیل، نوح، موسی، و پیامبر گرامی اسلام ﷺ را مدیون تلاش زنان آسمانی معرفی می کند که در آن، زن به عنوان مادر و یا همسر دارای نقش اساسی بوده و در مورد دوّم به ذکر مثال مریم می پردازد، چرا که در خصوص حضرت عیسی، حضرت مریم دارای نقش انحصاری بوده است. توضیح اینکه:

☆ در کنار حضرت ابراهیم، شخصیتی چون هاجر وجود دارد که با تربیت حضرت اسماعیل،

نسل صالحی از ابراهیم را به جامعه بشریت تقدیم کرد و خداوند متعال در مقام تقدیر از زحمات و از خودگذشتگی این بانوی والامقام، یاد و نام او را در جای جای مراسم حجّ چون سعی صفا و مروه و چشمه زمزم زنده نگاه داشت و مقبره او را چون خانه خود (کعبه) مطاف همه حاجیان قرار داد.

☆ در کنار حضرت موسی علیه السلام به مادری نمونه برمی خوریم که نقش اساسی در تربیت این پیامبر الهی را برعهده داشت. قرآن در داستان موسی علیه السلام همیشه به مادر او اشاره می کند و سخن چندانی از پدر او به میان نمی آورد. آیات قرآن در مورد شخصیت مادر موسی قابل تأمل است، قرآن می فرماید:

✓ (و أوحینا إلی أمّ موسی أن أرضعیه.)^۱

✓ (و أصبح فؤاد أمّ موسی فارغاً...) ^۲

همچنین از نقش حضرت آسیه نیز در تربیت حضرت موسی نباید غافل بود، بانوی نمونه ای که با وجود همه شرایط غفلت و دنیاگرایی در کاخ فرعون، پاکی و ایمان خود را حفظ کرد.

☆ در خصوص حضرت عیسی علیه السلام، اساساً هیچ مردی (پدری) در تربیت او نقش ندارد و قرآن او را به عنوان «عیسی بن مریم» معرفی می نماید.

۱. قصص ۷/

۲. همان ۱۰/

مریم (به معنای عابده) بانویی که در عنفوان جوانی بر او مائده الهی نازل می‌شد و مقام او آنچنان در درگاه الهی والا بود که خداوند زکریای نبی را خادم او در معبد قرار داد.^۱

بانویی که ملائکه با او گفتگو می‌کردند و خداوند او را به عنوان سرور زنان عصر خودش برگزید.^۲

و البته قرآن همچنانکه نقش حضرت مریم علیها السلام در تربیت حضرت عیسی علیه السلام را منحصر به فرد می‌داند نقش اساسی مادر مریم (حنا) در تربیت چنین دختر پاکی را نیز مورد توجه قرار می‌دهد و اساساً ولادت مریم را نتیجه استجاب دعا و نذر معنوی مادر او معرفی می‌کند.^۳

امام زمان علیه السلام الگوی خود را حضرت زهرا علیها السلام معرفی کرده و می‌فرمایند:

(و فی ابنة رسول الله لی اسوة حسنة.)^۴

«و در دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله (مادرم زهرا علیها السلام) برای

من سرمشق نیکویی است.»

و در برخی روایات اینگونه از حضرت

مهدی علیه السلام یاد می‌شود:

۱. آل عمران/ ۳۷

۲. همان/ ۴۲

۳. همان/ ۳۵

۴. بحار، ج ۵۳، ص ۱۷۸

(المَهْدِي مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ.)^۱

«مهدی علیه السلام از فرزندان فاطمه علیها السلام است.»

براساس همین نقش کلیدی مادر است که در روایات آمده است: (الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ.)^۲

«بهشت زیر پای مادران است.»

یک نمونه بارز تاریخی دیگر در نقش آفرینی زن در تربیت فرزند ولایتی محمد ابن ابی بکر است، او با وجودی که از صلب دشمن امیرالمؤمنین علیه السلام به دنیا آمده، اما به خاطر برخورداری از مادری (به نام اسماء) که عاشق اهل بیت علیهم السلام بود، از شیعیان خالص حضرت علی علیه السلام شد و حضرت علی علیه السلام در وصف او فرمودند:

(مُحَمَّدُ ابْنِي مِنْ صُلْبِ أَبِي بَكْرٍ...)^۳

«محمد فرزند من از صلب ابوبکر است.»

شهید مطهری (ره) نقش زن در تاریخ‌سازی و تمدن‌سازی را به دو بخش عمده تقسیم می‌کند:

۱. نقش مستقیم: منظور از نقش مستقیم زن، همان حضور مستقیم او در صحنه‌های اجتماعی برای اصلاحگری می‌باشد. تاریخ نمونه‌های متعددی از این حضور تمدن‌ساز و مؤثر زنان در میدانهای اجتماعی را شاهد بوده است، به عنوان مثال:

۱. کشف الغمّة، ج ۲، ص ۴۷۷

۲. مستدرک، ج ۱۵، ص ۱۸۰

۳. شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۵۳

حضرت زهرا علیها السلام با ایراد خطبه در مسجد مدینه، غاصبان خلافت را رسوا نمود و با دفاع همه جانبه از ولایت حضرت علی علیه السلام، نهضت شیعی و دفاع از امیرالمؤمنین علیه السلام را پایه‌گذاری کرد، به طوری که امروزه مکتب تشیع میراث ماندگار حضرت زهرا علیها السلام در تقویت ولایت و مبارزه با دشمنان به شمار می‌رود و حضور بیش از پنجاه زن بین اصحاب امام عصر علیه السلام در تأسیس حکومت جهانی ایشان گواه دیگری برای تأثیر مستقیم زنان در تمدن‌سازی محسوب می‌گردد.

۲. نقش غیرمستقیم: منظور از نقش غیرمستقیم زن در تمدن‌سازی و تحولات عظیم اجتماعی، حضور غیرمستقیم او در تحوّل آفرینی اجتماعی و تاریخی است، در نقش غیرمستقیم، زن از نظر فیزیکی در جامعه حضور ندارد، اما حضور او در خانه با تربیت مردان تحوّل‌آفرین و تاریخ‌ساز ظاهر می‌شود و نقش او در انگیزه‌سازی، مردآفرینی، شجاع‌پروری و پشتیبانی‌های تربیتی و معنوی تحقق می‌یابد. این پشتیبانی و حمایت‌های غیرمستقیم به چند صورت تحقق می‌یابد:

الف) در مقام و جایگاه مادر: زنان در این مقام حسّاسترین نقش تاریخی و تربیتی یعنی معماری شخصیت قهرمانان و چهره‌های درخشان تاریخ را برعهده دارند. حضرت زهرا علیها السلام به عنوان مادری

نمونه، فرزندانى چون امام حسن مجتبی علیه السلام، امام حسین علیه السلام، حضرت زینب علیه السلام و حضرت ام کلثوم علیه السلام را تقدیم جامعه بشریت می کند و تمدن عاشورایی را می آفریند. آری تاریخ، مادران نمونه بسیاری را به خود دیده است که در تربیت مردان بزرگ نقش داشته اند.

از مادر شیخ انصاری نقل شده که می گوید: «من در رابطه با پسر من توقع بیشتری داشتم. برای اینکه من تا سالی که او را شیر دادم، هیچ گاه بدون وضو نبودم. نیمه شب برمی خاستم، در سرمان زمستان یخ آب حوض را می شکستم، وضو می گرفتم و بعد بچه ام را شیر می دادم.^۱

مادر مقدس اردبیلی می گوید: «هرگز لقمه ای شبه ناک نخوردم و قبل از شیر دادن بچه وضو می گرفتم و ابداً چشم به نامحرم نینداختم و در تربیت او کوشیدم.»^۲

ب) در مقام و جایگاه همسر: نقش یک زن به عنوان همسر، در تأثیرگذاری مثبت بر مرد، در حدّ مادر و یا در رتبه پس از اوست و در برخی از برهه های تاریخی این نقش، یکتا و منحصر به فرد بوده است. مانند حضرت خدیجه علیه السلام که با فداکاری و پشتیبانی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تمام اموال/و

۱. ریحانه بهشتی، ص ۱۷۷

۲. همان، ص ۱۷۷

دارایی‌های خود را فدای اعتلای اسلام می‌کند و یا چون همسر زهیربن قین (دُلْهَم) که در تشویق و بسیج او برای نبرد در رکاب امام حسین علیه السلام نقش اساسی داشت.

ج) در مقام و جایگاه دختر: نقش یک زن به عنوان دختر نیز می‌تواند بسیار مؤثر باشد، مانند حضرت زهرا علیها السلام که به عنوان دختری بی‌نظیر، در حمایت از پدر خویش از هیچ کوششی دریغ نکرد و از اینرو به «أم ابیها» ملقب گردید و یا حضرت زینب علیها السلام که به خاطر دفاع از حریم ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام به زینب (زین‌آب: زینت پدر) مشهور گشت.

د) در مقام و جایگاه خواهر: از جمله نقشهای مؤثر غیرمستقیم زنان در حمایت از مردان بزرگ تمدن‌ساز، نقش خواهرانه می‌باشد که نمونه بارز آن حضرت زینب علیها السلام أخت الحسین علیه السلام می‌باشند. ایشان با پشتیبانی، همفکری، همراهی و تعاون با امام حسین علیه السلام، ندای قیام عاشورائیان را به سرتاسر امت اسلام و بلکه همه بشریت رساندند و از اینرو یکی از القاب مبارک ایشان «شریکه الحسین» است.

ه) در مقام و جایگاه پیرو: یکی از نقش‌های کلیدی زنان در تاریخ‌سازی، نقش پیروی و حمایت‌های بی‌نظیر ایشان از حرکتهای اصلاحی و مردان مصلح و تمدن‌ساز بوده است. این نقش در دوران حکومت امام عصر علیه السلام نیز جلوه می‌کند و

براساس مستندات روایی بیش از پنجاه تن از اصحاب حضرت از زنان می‌باشند. ایمان و حمایت‌های حضرت آسیه از مکتب حضرت موسی تا مرز شهادت، حمایت‌های حضرت سمیه از آرمان‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تا سر حد شهادت، حمایت‌های اسماء بنت عمیس از مکتب حضرت علی علیه السلام و یا حمایت‌های زنان عاشورایی از نهضت اباعبدالله علیه السلام و نقش مثبت زنان در حمایت و پشتیبانی از نهضت امام خمینی (ره) و صدها نمونه دیگر، گواه روشنی از نقش زنان در جایگاه یک پیرو، در جهت حمایت از مردان الهی می‌باشد.

پرسشهای درس:

۱. سه مشخصه سلبی و سه مشخصه ایجابی خانه‌های ولایی و معنوی را نام ببرید.
۲. پیام خانوادگی آیه ۱۲۷ سوره بقره چیست؟
۳. داستان مباحله، مواجهه نرم پیامبر ﷺ با چه جریان‌های بود و خانواده در آن چه نقشی داشت؟
۴. چگونه امام حسین علیه السلام از حضور خانواده خود در کربلا به عنوان یک تاکتیک استفاده کردند؟
۵. تفسیر آیه ۲۸ سوره نوح چیست؟
۶. معنی روایت نبوی: «ولایتی لعلی ابن ابیطالب أحبُّ إلیَّ من ولادتی منه...» چیست؟
۷. پنج راه ورود به مقام (منا اهل البيت) را بنویسید.

۸. منظور از نقش مستقیم زن در تاریخ سازی چیست؟
۹. انواع نقش‌های غیرمستقیم زن را بنویسید.

سؤالات پژوهشی

۱. نقش خانواده‌های آرمانی در جریان سازی مثبت و معنوی تاریخ و نقش خانواده‌های غیر آرمانی در جریان سازی‌های منفی تاریخ چیست؟
۲. آیا برای به عضویت درآمدن بیوت انبیای الهی محدودیت زمانی و مکانی وجود دارد؟

معرفی منابع جهت مطالعه و پژوهش:

۱. «قصه‌های قرآن» - محمدی اشتهاردی
۲. «اهل بیت علیهم السلام در قرآن و حدیث» -

منابع

- قرآن کریم
بحار الأنوار / علامه مجلسی (ره)
تفسیر نور الثقلین / حویزی
میزان الحکمه / محمدی ری شهری
مستدرک / محدث نوری (ره)
مکارم الاخلاق / طبرسی
وسائل الشیعه / شیخ حرّ عاملی
احتجاج / طبرسی
ریحانه بهشتی
اهل بیت در قرآن و حدیث / محمدی ری شهری
تفسیر المیزان / علامه طباطبایی (ره)
أمالی / صدوق
مسند / ابی یعلی
مستطرفات السرائر / ابن ادریس
رجال کشی
تفسیر عیاشی
عیون اخبار الرضا / شیخ صدوق (ره)
تفسیر البرهان / محدث بحرانی (ره)
حماسه حسینی / شهید مطهری (ره)
مفاتیح نوین / آیه الله مکارم شیرازی
نرم افزار کامپیوتری نور (جامع الاحادیث)